



نگاهی به انسراراد حج

تألیف: وهبه زحیلی

ترجمه و تحقیق: محمد تقی رهبر

غریزه حب ذات و جلب منفعت یکی از خصلت‌های ذاتی است که در سرشت انسان به ودیعه نهاده شده تا تضمین کننده حیات و تکامل او باشد. (وانه لخب النخیر لشدید) ۱۳ اما مسأله اساسی تشخیص خیر و شر و منفعت و مضرت و ملاکها و معیارهای آن است، دو راهی‌های هدایت و ضلالت و سعادت و شقاوت را در همین نکته باید کاوید.

پیامبران خدا برانگیخته شدند تا انسان را به فطرت خدایی‌اش توجه داده و مصالح و مفاسد را بدو نمایند و بدانچه دستمایه سعادت و هدایت و رشد و کمال اوست ترغیب کنند و از آنچه مایه شقاوت و ضلالت اوست، بر حذر دارند. تشریح شرایع، پاسخی است به این خواسته فطری و با هدف فیض رساندن به انسان که در هر یک از عبادات و تکالیف شرعی، به نوعی تبلور دارد و قرآن کریم در آیات عدیده، با اشاره به آثار و منافع عبادات و احکام، حکمت خداوندی، وجود و فیض او را از این طریق خاطر نشان می‌سازد. از جمله در خصوص فریضة حج می‌فرماید: «لیشهدوا منافع لهم» ۱۴ حجاج بیت‌الله الحرام از راه دور و نزدیک بیایند تا شاهد منافع حج باشند. تبیین و توضیح این «منافع»، موضوع مقاله‌ای است که ترجمه آن را ملاحظه خواهید فرمود. اما پیش از پرداختن به ترجمه اصل مقاله، مروری گذرا بر این مطلب داریم و پاره‌ای از روایاتی را که به تشریح منافع و فلسفه حج پرداخته است، از

نظر می‌گذرانیم. نخست بنگریم که خود قرآن، از «منافع» چه مقصدی را می‌خواهد؟ موارد کاربرد این واژه بیانگر این است که منافع، شامل منافع مادی و معنوی، و دنیوی و اخروی می‌باشد. اما حقیقت منفعت و خیر پایدار، در جهان بازپسین است و منافع مادی نیز باید متضمن سود معنوی باشد تا خیر و منفعت به حساب آید.

قرآن کریم در خصوص «منافع مادی» آیاتی دارد؛ از جمله در بیان منافع آهن در سوره حدید می‌فرماید: «وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ»^{۱۵} و بدیهی است که منافع آهن، منافع مادی است و در مورد منافع کشتی‌هایی که در دریا شناورند می‌فرماید: «وَالْفَلَكَ الَّتِي تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِمَا يَنفَعُ النَّاسَ»^{۱۶}

همچنانکه در برخی آیات دیگر، از منافع معنوی، هدایت و سعادت آخرت که در پرتو ایمان و فضائل بدست می‌آید، سخن می‌گوید نظیر آیه: «هَذَا يَوْمَ يَنفَعُ الصَّادِقِينَ صَدَقُهُمْ»^{۱۷} و آیه «فَذَكِّرْ إِنْ نَفَعَتِ الذِّكْرَى»^{۱۸} اما نکته‌ای که نباید پوشیده بماند این است که اساساً هدف خلقت انسان و امکاناتی که جهت منفعت و مصلحت او آفریده شده، همانا رسانیدن انسان به کمال جاودانگی و وصول به مقام قرب و شهود حق تعالی است و دیگر اهداف، مقدمه و وسیله‌ای هستند که در تحقق هدف اقصی، ایفای نقش می‌کنند. از اینرو قرآن کریم با تذکر نعمت‌های الهی و سودرسانی آنها به انسان، در خوردن و آشامیدن، آن را به شکر و سپاس خداوند مقرون ساخته و کسانی را که ناسپاسی کنند، مورد عتاب و نکوهش قرار می‌دهد: «وَلَهُمْ فِيهَا مَنَافِعُ وَمَشَارِبٌ أَفْلا يَشْكُرُونَ»^{۱۹}

بدینسان باید نتیجه گرفت: در منطق اسلام، منافع مادی خالص وجود ندارد و تمام نعم مادی و منافع دنیوی، باید در اهداف الهی و سعادت اخروی به خدمت گرفته شود. و حیات و ممات مؤمن و نماز و عبادات و مناسک او، تنها برای خدا و در طریق رضای او باشد و بس. همانگونه که قرآن تعلیم می‌دهد: «قُلْ إِنْ صَلَوَتِي وَنَسْكَي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ»^{۲۰}

مناسک حج نیز از این اصل مستثنی نیست و آنچه منافع این فریضة عظیم را با ابعاد گسترده‌اش تحقق می‌بخشد، همانا اهداف الهی و معنوی است. و اگر از منافع دنیوی سخنی به میان می‌آید، هرگز به عنوان اهداف اصلی و نهایی نیست بلکه به عنوان آثار جانبی و فرعی باید بدان نگریست که جدای از مقاصد معنوی به محاسبه نهاده نمی‌شود.



افزون بر این، از دیدگاه اسلام، دنیا و آخرت جدا نیستند (الدنيا مزرعة الآخرة) و حیات دنیوی، اقتصادی یا سیاسی را نباید از دین و آخرت تفکیک کرد.

بطور خلاصه: آنچه در روایات بعنوان منافع اقتصادی یا اجتماعی و سیاسی حج آمده است را با دید الهی باید نگریست و عنصر اساسی حج را همانند سایر عبادات، روح معنویّت آن تشکیل می‌دهد. شاهد این مدعا، سخن امیر مؤمنان - علیه السلام - است که در تبیین فلسفه حج می‌فرماید: «خداوند حجّ خانهٔ محترم خود را بر شما واجب ساخته، خانه‌ای که قبلهٔ مردم است، تا سراسیمه و با اشتیاق به سوی آن بشتابند و آن را نشانه‌ای از تواضع آنان در برابر عظمت خود و اذعان به عزت خویش قرار داد، و از میان خلق کسانی را برگزید که گوش به دعوتش فرا دهند و گفتارش را تصدیق کنند و در مقام انبیاء و جایگاه پیامبران بایستند و همانند فرشتگانی که به طواف عرش مشغولند، به طواف کعبه بپردازند و در بازار پرستش او، به جستجوی سود و منفعت برآیند و به میعادگاه مغفرت و آمرزش او سبقت گیرند (يُحْرِزُونَ الْأَرْبَاحَ فِي مَتَجَرِّ عِبَادَتِهِ، وَ يَتَبَادَرُونَ عِنْدَ مَوْعِدِ مَغْفَرَتِهِ) خداوند کعبه را برای اسلام «رایت بلند» و برای پناهندگان «حرم امن» قرار داد و به زیارت آن فرا خواند: «وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مِنْ اسْتِطَاعِ إِلَيْهِ سَبِيلًا»^{۲۱}

در دیگر روایات نیز به بیان منافع و آثار معنوی حج پرداخته شده است.

صاحب مجمع‌البیان در تفسیر «منافع» روایت ذیل را از حضرت ابی جعفر الباقر - ع -

نقل می‌کند: «هِيَ مَنَافِعُ الْآخِرَةِ، الْعَفْوُ وَالْمَغْفِرَةُ.»

مقصود منافع آخرت است؛ یعنی عفو و آمرزش الهی. و نیز از قول «سعید بن مسیب»

و «عطیه عوفی» همین را آورده است.^{۲۲}

«هشام بن حکم» گوید:

از حضرت ابا عبدالله، جعفر بن محمد الصادق - علیهما السلام - پرسیدم: «چرا

خداوند حج را بر مردم واجب ساخته و به طواف کعبه تکلیف فرموده است؟»

امام در پاسخ فرمود:

«خداوند با ارادهٔ خود خلق را آفرید و آنان را امر و نهی فرمود تا مصلحت دین و

دنیای آنان تأمین شود و برخی گروهها از طریق کسب و تجارت و حمل کالا از

شهری به شهر دیگر سود برند و کاروان داران و ساربان‌ها بهره‌مند شوند و مردم با

آثار و اخبار رسول خدا - ص - آشنایی پیدا کنند و یاد و خاطرهٔ آن بدست فراموشی

سپرده نشود. اگر قرار بود هر گروهی تنها به شهر و دیار خود بیندیشد و از حوادث آن سخن بگویند و غافل از دیگر شهرها باشند مردم هلاک و تباه می‌شدند و شهرها ویران می‌گردید و حمل و نقل و منافع کسب و تجارت به رکود و تعطیل می‌کشید و اخبار و حوادث محو و نابود می‌شد و به دیگر انسانها و سرزمین‌ها منتقل نمی‌گشت و مردم بدان واقف و آگاه نمی‌شدند؛ این است فلسفه حج»^{۲۳}

«محمد بن سنان» گوید: «از امام علی بن موسی‌الرضا - ع - طی نامه‌ای مسائلی را پرسیدم که امام آن را پاسخ دادند. از جمله دربارهٔ حج چنین نوشتند:

«فلسفه حج ورود در میهمانی خدای بزرگ و طلب رحمت افزون‌تر و خروج از معاصی و گناهان و توبه از گذشتهٔ اعمال و انتخاب راه و روش صحیح برای آینده است. و نیز در سفر حج، اموال خرج می‌شود، بدن‌ها به رنج می‌افتد و لذات و شهوات نفسانی مهار می‌گردند و بدینسان حج‌گزاران با این عبادت به خدای بزرگ تقرب می‌جویند و سر تسلیم و خضوع و ذلت و انکسار در برابر او فرود می‌آورند. و در سرما و گرما و در حال آرامش و امنیت و یا بیم و هراس، راه می‌پویند و قرب حق را می‌جویند.

افزون بر این در این عبادت جمعی، همهٔ مردم سود می‌برند و با رغبت و رهبت به سوی خدای سبحان روی می‌آورند. و از آثار دیگر آن، رهایی از قساوت قلب و خساست نفس و نسیان ذکر خدا و نومییدی از خیر و دل بستن به رحمت او و تجدید حقوق و دور نگهداشتن نفس از فساد است. و همه کسانی که در شرق یا غرب یاد در دریا و خشکی اند چه حج‌گزاران و چه غیر آنها از تاجر و پیلهور، فروشنده و خریدار و کاسب و مستمند بهره‌مند می‌گردند و در تأمین حوائج ساکنان اطراف و نواحی دیگر سرزمین‌ها که می‌توانند در موسم گرد آیند می‌کوشند. این است که خداوند می‌فرماید:

«لِيشْهَدُوا مَنَافِعَ لَهُمْ»^{۲۴}

مرحوم علامه طباطبایی در توضیح منافع حج چنین می‌نگارند:

«منافع دو گونه است: دنیوی و آخروی؛ منافع دنیوی عبارت است از آنچه سرمایه تعالی حیات اجتماعی انسان باشد و زندگی را رونق دهد و حوائج گوناگون را برآورده سازد و کاستی‌های مختلف در زمینه تجارت، سیاست، ولایت، مدیریت، و آداب و رسوم و سنت‌ها و عادات و همکاری‌های مختلف و همیاری اجتماعی و نظایر آن را جبران کند.

هرگاه گروهها و اجتماعاتی از مناطق مختلف زمین، با نژادها و رنگها و با آداب گوناگون که دارند، گرد آیند و یکدیگر را بازشناسند در حالی که همه بر یک سخن، که



سخن حق است، متفق‌اند و پروردگار یگانه را بپرستند و به سوی یک قبله رو کنند، این وحدت روحانی، آنان را به اتحاد ظاهری نیز فرا می‌خواند و همانگونه که گفتارشان یکی است عملشان را نیز همگون ساخته و از صمیم جان به تبادل امکانات و همیاری در حل مشکلات خود خواهند پرداخت و از آنچه در توان دارند در تعاون به یکدیگر بهره خواهند گرفت بدینسان هر جامعه کوچکی به جامعه‌ای بزرگ تبدیل می‌شود و گروهها به یکدیگر می‌پیوندند و توده‌ای عظیم تشکیل داده و نیرو و توان و امکانات خود را بر یکدیگر می‌افزایند، بدانگونه که کوه‌های سر به فلک کشیده در برابر آن تاب مقاومت نخواهند داشت و هیچ قدرت اهریمنی بر آنها فائق نخواهد آمد و بدیهی است که هیچ عاملی چون اتحاد و همبستگی، برای حل مشکلات کارایی ندارد و دستیابی به وحدت و همبستگی جز از طریق تفاهم میسر نیست و برای تفاهم هیچ چیز مانند دین و ایمان نقش نخواهد داشت.

اما منافع آخروی؛ عبارت است از تقرّب به خدا و به آنچه عبودیت انسان را در قالب گفتار و عمل متبلور می‌سازد. اعمال و مناسک حج در بردارنده انواع عبادات است؛ چون توجه به خدا و ترک لذائذ مادی و مشاغل زندگی و پیمایش طریق عبودیت با تحمل سختی‌ها و طواف خانه خدا و نماز و قربانی و انفاق و روزه و امثال آنها... . عمل حج با ارکان و اجزایی که دارد، نمودار کاملی است از آنچه ابراهیم خلیل - علیه السلام - در مراحل توحید و نفی شرک و اخلاص بندگی، گذشت. بدین ترتیب تاسی به حضرت ابراهیم - ع - و آمدن مردم به زیارت خانه خدا این منافع آخروی و دنیوی را دربر دارد و چون این منافع را دریافتند بدان چنگ خواهند زد، زیرا انسان بدینگونه سرشته شده که خیر و منفعت خود را دوست بدارد و در طلب آن باشد»^{۲۵}

آثار علمی و فرهنگی حج

در برخی روایات، از منافع علمی و آثار فرهنگی حج و نقش آن در نشر معارف اهل بیت - علیهم السلام - و تفقه در دین یاد شده است (مع مافیه من التفقه و نقل اخبار الائمة الی کل صقع و ناحیه)^{۲۶}؛ یعنی در حج فوائد دیگری است چون تحصیل فقه دین و نقل اخبار امامان به دیگر سرزمین‌ها و نواحی، و این خود ثمره گرانقدری بود برای زائران بیت‌الله و شیفتگان اسلام نبوت و امامت و تشنه کامان زمزم ولایت که به سرزمین وحی؛ یعنی خاستگاه اهل بیت پیامبر اکرم و مهد نشو و نمای آنان بیایند و اسلام ناب و فقه خالص و بی‌آلایش اسلام و قرآن را از زبان حاملان آن بشنوند و با امام وقت خود ملاقات کنند و احکام و شرایع دین را از زبان

اهلش بشنوند و بدعت‌های رایج را از چهرهٔ دین بزدایند و در مراجعت به دیار خود اخبار و آثار وارثان وحی را به اقصی نقاط جهان ببرند و برای خویشان و آشنایان و مردم شهر و دیار خود بازگویند.

در سایر عصرها نیز این بهرهٔ عملی، کما بیش قابل دسترسی است زیرا وجوه مسلمین و نمایندگان امت و عالمان دین از هر ناحیه به حج می‌آیند و فرصتی دست می‌دهد که از تضارب آراء و تبادل افکارشان حق و باطل بازشناخته شود و پیام آن به گوش جانها برسد. باتوجه بدانچه به اختصار از نظر گذشت، منافع حج را می‌توان بدینگونه جمع‌بندی و خلاصه کرد:

۱- بعد عبادی و معنوی و رسیدن به مقام قرب و جلب رحمت و مغفرت الهی که بزرگترین دست‌آورد این سفر روحانی است و با تأسی به ابراهیم خلیل و اسماعیل ذبیح - علیهما السلام - و هاجر، آن مادر فداکار و موحد و دیگر صالحان، که مشعلدار توحید و صبر و فداکاری در عصر تیرگی‌ها بودند، تکمیل شده و تبلور عینی می‌یابد.

۲- دیدار سرزمین وحی و میعادگاه پیامبران و مهد ظهور اسلام و حضرت ختم‌المرسلین و زنده نگهداشتن خاطرات روحانی مکهٔ مکرمه و مدینهٔ طیبه که یادآور نزول وحی آسمانی و مسؤولیت سنگین رسالت و صبر و مجاهدت پیامبر بزرگ و یاران مخلص آن حضرت و مقاوت سیزده‌ساله مکه و آنگاه هجرت به مدینه و اعلاء کلمهٔ اسلام در سایهٔ صبر و جهاد و شهادت است و لحظه‌لحظه خاطرات دیگری که وجب و جب این سرزمین پاک در سینه دارد و تذکار آن برای اهل دل و ارباب معرفت و شیفتگان، جالب و روح‌انگیز و درس‌آموز است.

۳- بهره‌وری از علم و فقاقت و شناخت معارف و آثار معنوی و فرهنگی که حج همراه دارد و تبلور کامل آن در عصرهای نخستین، مکتب نورانی اهل بیت عصمت و طایفه‌داران اسلام ناب محمدی - صلی الله علیه و آله - بود که پاسداران اسلام حق و عدل در برابر اقطاب قدرت و زورمدارانی بود که در کسوت خلافت اسلامی تجدیدکننده جاهلیت و حکومت کسری و قیصر بودند.

۴- منافع اجتماعی - سیاسی که در صحنه جهانی و روابط بین‌الملل اسلامی برای مسلمین سرنوشت‌ساز است و به همین لحاظ فریضهٔ حج در زمان و مکان خاص، تضمینی



است برای مشارکت سالانه انبوه مسلمین و چهره‌های مؤثر و برجسته کشورهای اسلامی برای یک دیدار جمعی و رابطه و تفاهم و آگاهی از وضع یکدیگر و چاره‌اندیشی برای مشکلات و آلام مشترک خود و تأمین و تضمین مصالح جهان اسلام بویژه در عصر کنونی که ملت واحده کفر گستاخانه و با برنامه‌ای حساب شده در برابر اسلام انقلابی صف‌آرایی کرده و جز با وحدت امت اسلامی و تدبیر و ایده و آرمان مشترک به مقابله با آن نمی‌توان پرداخت.

۵- آثار و منافع اقتصادی بویژه برای نیازمندیانی که از کسب و کار و حرفه و تجارت

جهت معاش خود بهره می‌گیرند و نیاز مسافران را برآورده می‌سازند و از این رهگذر ده‌ها هزار خانوار سود می‌برند و فقر و نیازمندی خود را برطرف می‌سازند و این بدان معنا نیست که زائر به منظور سود تجاری آهنگ حج کند و عملش را بی‌ارزش سازد و فریضه حج را از قله عظیم معنویش به حسیض مادیات فرو نهد. بنابر این توجه به این نکته اساسی در منافع مادی حج ضروری است تا موارد مثبت و منفی آن باز شناخته شود و زائران بیت‌الله الحرام از آغاز در فکر سود مادی و نفع تجاری نباشند بویژه آنکه عرضه کالا و خرید و فروش در سفر حج بسیاری موارد با شؤونات ملت و کشور و روح اسلام و حیثیت زائران در تضاد باشد.

بطور خلاصه حج جامع‌ترین عبادات است جهات مختلف عبادی، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی فردی و اجتماعی در آن ملحوظ شده است اما فلسفه نهایی و کلی و محوری آن همانا انسان‌سازی و تهذیب نفوس و دل‌کندن از مادیات و تحمل رنج سفر و بذل مال و ریاضت و عبادت و سبکبال شدن روح و توشه معنوی گرفتن و به غنای روحی رسیدن است و نیز تحکیم قدرت اسلام و امت اسلامی و پابرجا ساختن شعائر پایدار دین همانگونه که در خطبه تاریخی حضرت زهرا - سلام الله علیها - آمده است: «و الحج تشییداً للدین.» بنابراین سایر آثار و منافع را باید بعنوان آثار جانبی نگریست. این بود مروری گذرا به منافع و آثار حج در یک نگرش الهی هرچند تبیین فلسفه حج در هر سطر و واژه‌ای از اعمال و مناسک و شعائر، نیاز به تأمل و تعمق و تشریح و توضیح فراوان دارد و کاوشگران از آن غفلت نورزیده‌اند و هنوز جای تحقیق باقی است.

اینک خوانندگان گرامی را به مطالعه ترجمه مقاله آقای وهبه‌الزحیلی فرا می‌خوانیم:

«لِشَهَادَاتِكُمْ وَأَنْتُمْ لِهِمْ»

احکام و شرایع اسلام، رحمت است برای جهانیان و دربردارندهٔ خیر و متضمن مصالح انسانها و فضل و رحمت خداوندی در تار و پود آن تعبیه شده است. آنکس که بدان مؤمن باشد هدایت یابد و آن که بدان عمل کند خوشبخت گردد و هر کس بدان پایبند شود شاهد رستگاری را در آغوش کشد و هر که از آن روی برتابد به انحراف و ضلالت و حیرت و گمراهی درافتد.

تمام آنچه در این آیین بزرگ آمده، برگرفته از اعتقاداتی است که بر توحید خالص حق تعالی و تنزیه مطلق او مبتنی است، عباداتش صیقل جانها، تهذیب نفوس، پیرایش طبایع، تربیت کننده قلبها، هدایتگر اندیشهها و اصلاحگر فرد و جامعه است. معاملاتش برپایهٔ حق و عدل و نظامی متقن و استوار است، اخلاق و فضائلش استقامتبخش گزریها و اصلاح کنندهٔ هواهای نفسانی است و امیال و شهوات را به بند می‌کشد، عواطف را شکوفا می‌سازد، محبت و خیر و صلح و صفا را در جانها می‌پرورد و هدایت و استقامت و آرامش نفس و سلامت جامعه انسانی را تضمین می‌کند.

بدینسان عقاید و شرایع و اخلاق و آداب و معاملات اسلام با انسجام و هماهنگی که دارد تحققبخش اهداف و مقاصد عالیة انسانی است و هدف نهایی و کلی آن تهذیب نفوس و تربیت صحیح؛ یعنی انسان‌سازی است و در این میدان ره‌آورد ارزشمند معنوی و اندوخته عظیمی را در اختیار دانشوران و دانش‌پژوهان و دولت‌ها و ملت‌ها قرار می‌دهد که شرح این اهداف و مقاصد و ویژگی‌های آن مستغنی از تذکر و توضیح است؛ بعنوان مثال: در زمینه عبادات و فرایض دین چون نماز، روزه، زکات و حج، قرآن کریم به اهداف عالیة انسانی آن اشاره کرده و از نقشی که هر یک در تهذیب و تربیت و انسان‌سازی دارد، سخن می‌گوید.

در خصوص نماز و نقش تربیتی آن می‌فرماید: «ان الصلوة تنهی عنی الفحشاء و المنکر»^{۲۷} و بدین ترتیب هدف نماز را در تزکیه و تهذیب نفس و نقش بازدارندگی‌اش را از زشتی‌ها و منکرات خاطر نشان می‌سازد.

و درباره زکات می‌فرماید: «خذ من أموالهم صدقة تطهرهم و تزکیهم بها»^{۲۸} و از



تأثیری که زکات در پاکسازی و پیرایش نفوس از صفات ذمیمه، چون: بخل و حرص دارد سخن می‌گوید، علاوه بر آثار اجتماعی که انفاق و احسان در نجات محرومان و مستضعفان از چنگال فقر و تنگدستی و حقارت ناشی از آن برجای می‌نهد.

همچنین دربارهٔ روزهٔ ماه مبارک رمضان می‌فرماید: «یا ایها الذین آمنوا کتب علیکم الصیام کما کتب علی الذین من قبلکم لعلکم تتقون.»^{۲۹}

و به آثار و ثمرات ارزشمند روزه که همانا تقوای الهی و پرهیز از امیال نفسانی مباح و غیر مباح و اصلاح نفوس و تزکیهٔ جان‌ها و تعبد و تسلیم در برابر اوامر پروردگار و اجتناب از محرّمات است، تصریح می‌کند.

اینها اهداف والای تربیتی است که در پرتو عبادات و عمل مستمر به احکام و آداب شریعت، قابل دسترسی است.

از جمله شرایع، فریضه حج است که از ترک وطن به قصد زیارت بیت‌الله و انجام مناسک آغاز می‌شود و با مراجعت به وطن خاتمه می‌پذیرد. این سیر و سفر یک تجربه عملی و میدانی است که حج‌گزاران را به آداب و اخلاق اسلامی و تجرد خالص روح برای بندگی خداوند و اطاعت مطلقهٔ او و تصفیه اعمال از تعلقات مادی و قید و بندهای دنیا و عوامل غافل‌کننده و وابستگی‌های پر زرق و برق و فریبندهٔ زندگی، مودب می‌سازد و فکر و اندیشه را در افقی گسترده و آکنده از تقدیس حق تعالی و اقرار به جلال و عظمت او به جولان در می‌آورد و منافع دنیوی و آخروی و مادی و معنوی را تحقق می‌بخشد.

خداوند دربارهٔ فریضهٔ حج می‌فرماید:

«وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَا تَوَكُّبًا رَجَالًا وَعَلَىٰ كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ.
لِيَشْهَدُوا مَنَافِعَ لَهُمْ وَيَذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ فِي أَيَّامٍ مَّعْلُومَاتٍ عَلَىٰ مَا رَزَقْنَاهُمْ مِنْ
بِهِمَّةِ الْأَنْعَامِ، فَكُلُوا مِنْهَا وَأَطْعَمُوا الْبَائِسَ الْفَقِيرَ.»^{۳۰}

«آهنگ حج را بر مردم فرو خوان تا پیاده و سواره بر شتران لاغر (رهوار) از راه‌های دور بیایند. و شاهد منافع خود باشند و خدا را در روزهای معین یاد کنند که از گوشت حیوانات روزیشان داده، پس بخورید و به بیچارگان تهی دست بخورانید.»

دو آیه فوق، بیانگر فرمان الهی در خصوص حج است که به اسرار مختلف آن در زمینه‌های عبادی و سیاسی و فردی و اجتماعی اشاره دارد: حج کنگره بین‌المللی است که

مسلمین جهان در آن شرکت جویند و اوضاع کشورهای خود و سرگذشت ملت‌های خویش را با صراحت و اخلاص و بطور جدی و با انتقاد سازنده مطرح کنند و گرفتاری‌های امت اسلامی را به مذاکره و مشاوره نهند و آنگاه با رهنوشه‌ای از آگاهی‌ها و راهبردها، جهت حلّ مسائل درون مرزی و برون مرزی و بین‌المللی جهان اسلام به کشور‌هایشان باز گردند و وحدت امت اسلام و مصالح عالیّه آن را نصب‌العین خویش سازند و به اخوت ایمانی بیندیشند و فداکاری لازم و تعاون و همکاری جهت مقابله جدی با نقشه‌ها و توطئه‌های خائنانه دشمنان اسلام، آن را مورد مطالعه قرار دهند و برای غلبه بر مشکلات و خنثی کردن توطئه‌ها و احیای مجد و عظمت و کرامت اسلام و پاسداری از کیان مسلمین و حفظ مصالح خود در درون و برون مرزها، در حال جنگ و صلح و نبرد مسلحانه با دشمن و حل معضلات اقتصادی و بحران‌های گوناگون دیگر خود وارد صحنه شوند.

در هر حال سخن گفتن در تفسیر و بیان آیه کریمه: «لِيشهدوا منافع لهم» توجه به چند نکته را می‌طلبد: «لام» اشاره به چیست؟ چرا «منافع» به صورت نکره آمده است؟ این منافع شامل چه چیزهایی می‌باشد؟

همانگونه که در تفسیر المیزان آمده: «لام»، «لِيشهدوا»، «تعلیل» یا «غایت» است و «لهم» متعلق به «یا توك» می‌باشد. بدین ترتیب، معنا چنین است:

«زائران خانه خدا بیایند تا منافی را که در حج برای آنان منظور شده، شاهد باشند.»

در کتاب «احکام القرآن» ابن عربی، آمده است: این لام برای بیان فائده و مقصودی است که سخن برای آن ایراد می‌شود. یعنی «لام غایت و سیورورت» نظیر قول خدای سبحان: «لتعلموا ان الله على كل شيء قدير» این لام گاه بر سر فعل می‌آید؛ مانند آیه فوق و گاه بر سر حرف؛ نظیر: «لئلا يعلم اهل الكتاب».^{۳۱}

و اما نکره آوردن «منافع» به گفته فخر رازی بدین لحاظ است که شامل منافع ویژه این عبادت، در زمینه‌های دینی و دنیوی باشد؛ منافی که در سایر عبادات وجود ندارد. آلوسی گوید: یعنی منافع گرانقدر و بسیار. بنابراین نکره آوردن «منافع» بدون تنوین، برای تعظیم و تکثیر است و ممکن است برای تنويع باشد؛ یعنی: نوع خاصی از منافع دنیوی و آخروی.

در تفسیر و تبیین «منافع» از امام محمد باقر - ع - روایت شده که فرمود: «منظور



منافع اخروی؛ یعنی عفو و مغفرت است.»

ابن عباس گوید: منظور منافع دنیوی است. بدینگونه که در ایام حج مسلمانان به تجارت پردازند؛ یعنی اجازه تجارت به حاجیان داده شده است همانگونه که آیه «لیس علیکم جناح أن تبتغوا فضلاً من ربکم»^{۳۲} نیز بدان اشاره دارد.

قرطبی گوید: شک نیست که نظر آیه کریمه به تجارت است. اما جمهور مفسرین ترجیح داده‌اند که «منافع دنیوی و اخروی» منظور باشد. زید از قول ابن عباس نیز همین را آورده است. ابن ابی حاتم روایت کرده که منافع اخروی عبارت است از رضوان و خشنودی خدای تعالی و منافع دنیوی عبارت است از گوشت قربانی و ذبائح و تجارت.

مجاهد که یکی از مفسرین است، منافع دنیوی را به تجارت تخصیص داده و گوید: آنگاه تجارت مجاز است و کراهت ندارد که هدف اصلی از سفر، حج نباشد. و البته این بعید به نظر می‌رسد که مقصود از منافع، تجارت باشد. زیرا منافع مورد نظر در فراخوان حج و دعوت مسلمین، برای این عبادت بزرگ، هرگز نمی‌تواند به تجارت محدود شود بلکه عادت بر این جاری شده که تجارت هم صورت پذیرد و شرع مقدس از آن نهی نفرموده است.

اگر بخواهیم با واقع‌بینی و نگرش جامع و گسترده به مسأله بنگریم، باید بگوییم آیه مذکور منافع بسیاری را شامل است؛ یعنی مسلمین بیایند و هرگونه خیر و منفعتی را که مورد رضای خداوند است و در امر دین و دنیایشان نقش دارد، شاهد باشند. منافی که جز از طریق حج قابل دسترسی نیست و خداوند با فضل و انعام خود آن را برای مسلمین میسر ساخته است و دلیلی وجود ندارد که آن را به پاره‌ای منافع، محدود و محصور سازیم؛ زیرا رحمت واسعة الهی همه چیز را در بر می‌گیرد.

ابن عربی گوید: دلیل این تعمیم همانا واژه «منافع» است که بصورت مطلق و کلی آمده است. مؤید این تفسیر، آیه «لیس علیکم جناح أن تبتغوا فضلاً من ربکم» می‌باشد که به اجماع مفسرین مقصود از «فضل» تجارت است. بنابراین، منافع شامل منافع دنیوی و اخروی است.

منافع دنیوی

اما منافع دنیوی؛^{۳۳} عبارت است از عواملی که ارتقا و تعالی حیات انسانی را در

زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، اخلاقی و فرهنگی تحقق می‌بخشد. حج و عمره مدرسه عملی تربیتی است برای ایجاد مساوات کامل میان مردم در ظواهر زندگی و حقوق و تکالیفشان. در این اجتماع عظیم توانگران از مستمندان ممتاز نیستند و نیازمندان نشانه‌ای از فقر بر چهره ندارند. زمامداران را از شکوه و عظمت سلطنت نشانی نیست و افراد متنفذ و سرشناس، نفوذ و شخصیتشان بی‌رنگ می‌شود. بطور خلاصه هیچیک از آثار و علائم برتری و تفوق طلبی در اندیشه و عمل مشاهده نمی‌شود. همه دست تضرع به بارگاه بی‌نیاز برآورده و تمام هم‌خویش را به مناسک و شعائر چون وقوف به عرفات و مشعر، رمی جمرات و طواف خانه کعبه و سعی صفا و مروه و حلق و تقصیر متوجه ساخته‌اند و پس از انجام مناسک، به گفتگو می‌پردازند تا از کمک و مساعدت و امکانات و دست‌آوردهای مادی یکدیگر بهره‌مند شوند. و نیز در خلال انجام مناسک، با یکدیگر انس گیرند و در خلال گفتگوها، طریق‌رهایی از بیماری بخل و آزمندی را بیاموزند و روح بخشندگی و سخا و انفاق در راه خدا را تقویت کنند، خون‌های قربانی بر زمین ریخته شود و ثمرات نیک آن عائد مستمندان گردد و همگان از آن بهره‌گیری کنند.^{۳۴}

بدین ترتیب مسؤولیت اجتماعی و تعهدات انسانی، براساس شالوده مستحکم ایمانی، در عائله بزرگ اسلامی شکل می‌پذیرد و نیازمندان این خانواده بزرگ مورد حمایت قرار می‌گیرند و آثار و نتایج دعای پیامبر بزرگ خدا، ابراهیم خلیل - علیه‌السلام - به وقوع می‌پیوندد که با خدای خود گفت:

«پروردگارا! من از فرزندان خویش کسانی را در این سرزمین خشک و بی آب و علف در کنار خانه محترم تو سکنی می‌دهم تا نماز بیا دارند. خدایا! دل‌های مردم را به سوی آنان متوجه گردان و از نعمت‌هایت روزی ده تا سپاسگزار تو باشند.»

«ربنا انی أسکنت من ذریتی بوادٍ غیر ذی زرع عند بیتک المحرّم ربّنا لیقیموا الصلوة فاجعل أفئدةً من الناس تهوی الیهم وارزقهم من الثمرات لعلهم یشکرون.»^{۳۵}

همبستگی ایمانی و اسلامی

همچنین در پرتو اجتماع باشکوه حج، شعور ایمانی امت نسبت به همبستگی اسلامی



بیدار می‌شود تا بیایند و به مصالح اسلام بیندیشند و نسبت به آحاد مسلمین احساس تکلیف کنند و ضرورت سهیم شدن در حل مشکلات یکدیگر و همدردی در بحران‌ها و دشواری‌ها را دریابند و ریشه وحدت امت را با معارفه و آشنایی و ایجاد رابطه عمق بخشند و به بررسی اوضاع و احوال همدیگر بپردازند و دور از اشتباهات و لغزشها، برای آتیه درخشان خود طرحی تدارک کنند و به تحکیم روابط با دیگر برادران مسلمان شرق و غرب اقدام کنند. و نعمت خداوندی را که در پرتو ایمان و اسلام، قلوب آحاد امت را پیوند داد، سپاس گویند و تار و پود آن را با اخوت خالص و محبت صادق و فقط برای خدا و به منظور جلب رضای او، در فضایی آکنده از ایثار و فداکاری و با صدق گفتار و کردار، مستحکم کنند و خاطره این سرزمین مقدس و صفای پاک معنوی آن را که در سایه حج تکوین یافته، زنده بدارند و بدور از هر نوع شائبه مادی و چشم داشت نسبت به منافع فردی و گرایش‌های نفسانی و تمایلات انحرافی، بر آن پایدار بمانند.

حج و انسان سازی

در سفر روحانی حج، علاوه بر آنچه از نظر گذشت، فضائل اخلاقی شکل می‌گیرد. حج مدرسه انسان‌سازی است. در این سفر زائران به تمرین صبر و پایداری در برابر رنج‌ها و سختی‌ها می‌پردازند، از عادات زشت و اخلاق نکوهیده پاک می‌شوند، از معصیت و گناه می‌پرهیزند و نفوس خود را به عطوفت و محبت می‌آریند و انگیزه‌های خیر و نیکی را شکوفا می‌سازند. بدین ترتیب حج یکی از نیرومندترین عوامل انسان‌سازی و تهذیب و اعتدال نفوس است و حج‌گزاران راحت و اطمینان و آرامش نفس خود و شادمانی واقعی و سعادت و نیکبختی را در ادای این فریضه می‌دانند و به یاد خدا دل‌هایشان آرام می‌گیرد. که «أَلَا بَدْرُ اللَّهِ تَطْمِئِنُّ الْقُلُوبُ»^{۳۶}

قرآن کریم ضمن تشریح احکام حج، زائران را از آنچه با معنویت و روحانیت حج در تضاد است بر حذر می‌دارد و در این خصوص می‌فرماید: «حج در ماه‌های مخصوصی است، پس هر که در این ماهها فریضه حج را ادا می‌کند باید از مباحثرت جنسی و گناه و جدال بپرهیزد و آنچه از کار نیک انجام دهید خدا بدان آگاه است. زاد و توشه بگیرید که بهترین توشه تقوا و پرهیزکاری است. پس ای خردمندان از خدا بهراسید.»

«الحج اشهر معلومات فمن فرض فيهن الحج فلا رفث ولا فسوق ولا جدال في الحج وما تفعلوا من خير يعلمه الله وتزودوا فان خير الزاد التقوى واتقون يا أولى الألباب»^{۳۷}

پیامبر اکرم - ص - حج گزارانی را که از ردائیل اخلاقی پیراسته‌اند و به عفت زبان و طهارت قلب آراسته‌اند به آمرزش خداوندی بشارت می‌دهد. بخاری و مسلم و نسائی و ابن ماجه و ترمذی نقل کرده‌اند که پیامبر اکرم فرمود: «آن کس که حج کند و از مباشرت ممنوع با همسر خود بپرهیزد و مرتکب فسق و فجور نشود، از سفر حج برگردد در حالی که همانند روزی که متولد شده از گناه مبرا می‌باشد.»

ازهری در تفسیر «رَفَث» که در آیه کریمه آمده گوید: «این یک واژه جامعی است که هرگونه بهره‌گیری از زن را شامل است و «فسوق»؛ یعنی معصیت و گناه. در حدیث جابر آمده است که کمال حج به خوراندن طعام و خوبی کلام و اشاعه سلام است» (ان بر الحج اطعام الطعام و طیب الکلام و افشاء السلام) بطور خلاصه می‌توان منافع دنیوی حج را در پاکیزگی نفس و پاکی قلب و عفت زبان و سلامت اعضاء و جوارح از گناه خلاصه کرد.

منافع آخروی

اما منافع آخروی حج؛ عبارت است از تقرّب به خدای تعالی به وسیله مناسک و شعائری که از طریق گفتار و کردار، مراتب عبودیت انسان را در پیشگاه خداوند به نمایش می‌گذارد و لذاذ مادّی و مشاغل دنیوی را پشت سر می‌افکند.

در تفسیر المیزان بدین نکات اشاره شده است: آثار حج از این دیدگاه محو گناهان و آمرزش معاصی و ایجاد مساوات میان بندگان خدا است که جز به تقوا بر یکدیگر برتری ندارد (ان اکرمکم عندالله أتقاکم)^{۳۸} مناسک حج به مفاهیم متعالی رهنمونگر است که حج‌گزار بی‌تردید نباید از آن غافل باشد. شناخت حکمت تشریح مناسک، دارای این تأثیر است که روح بیشتر از آن لذت ببرد و با انگیزه بیشتری در انجام تکالیف شرعی و اطاعت خداوند و تحقق بخشیدن به حقیقت حج، به شیوه‌ای الهی، بدانسان که متضمن خیر و سعادت انسان باشد بکوشد.

بستن احرام و بیرون شدن از لباس معمولی، امیال و هواهای نفسانی را به بند می‌کشد

و مردم را از فکر کردن در امور دنیا دور می‌سازد و به آفریدگار توجه داده و به اندیشه در جبروت و عظمت و جلال حق تعالی فرامی‌خواند و به پرواز روح و تعالی وجدان و ضمیر و اظهار خضوع و خشوع در برابر خداوند و دوری جستن از نخوت و غرور وامی‌دارد و امراض نفسانی چون بلندی جوئی و کبر و کینه و خصومت را درمان نموده و به عمل خالصانه دعوت می‌کند. زیرا به جز اخلاص که عنصر اصلی اعمال است هیچ عملی ارزش ندارد و برای هیچ مسلمانی در عبادات یا معاملات یا اخلاق جز با اخلاص فضیلتی نیست. یکی از ارکانِ اخلاص، این است که با مسلمانان تفاهم کند و دل را از کینه و دشمنی و خصومت آنان پالایش دهد؛ همانگونه که خداوند در قرآن کریم در وصف مؤمنین می‌فرماید: «آنان که بعد از ایشان می‌آیند: گویند: خدایا! ما و برادران مؤمن را که در ایمان بر ما پیشی گرفتند مشمول آمرزش خویش قرار ده و دل‌هایمان را از کینه مؤمنان تهی‌ساز. پروردگارا! توئی مهربان و بخشنده.»

«والذین جائوا من بعدهم، یقولون ربنا اغفر لنا و لإخواننا الذین سبقونا

بالایمان ولا تجعل فی قلوبنا غلاً للذین آمنوا ربنا انک رؤوف رحیم.»^{۳۹}

لبیک گفتن حجاج همزمان با احرام آغاز می‌شود و تا صبح روز عید و رجم جمره عقبه ادامه دارد.^{۴۰} شاهدی زنده و واقعیتهی ملموس است بر توجه صادقانه به خدای متعال و دامن برچیدن از پلیدی و آلودگی گناهان و شهوات نفسانی و تذکر و توجه دائم به طاعت حق و امتثال اوامر و نواهی او.

حضور در کنار خانه خدا با قصد طواف و زیارت؛ عامل دیگری است جهت دستیابی به منافع دنیا و آخرت، زیرا مشاهده کعبه مشرفه، تعلقات مادی را از دل‌های شیفتگان می‌زداید و فطرت نفع‌طلب انسان را به منافع معنوی و مصالح خویش توجه می‌دهد همچنین طواف خانه خدا تحکیم بخش وحدت عموم مسلمین و رمز تشبیه به فرشتگانی است که بر پیرامون عرش خدا در طوافند و پرواز روح است در افق متعالی حق پرستی و معراج قلب و اندیشه به ملکوت ربانی. ویاد و ذکر صاحب خانه و تجدید میثاق انسان با خدا و اقرار و اعتراف به ربوبیت و وحدانیت اوست که با شروع طواف از حجرالأسود یا «حجرالأسعد» آغاز می‌گردد. تا نشانه و رمزی باشد بر وحدت عمل مردم و گذرگاهی برای اجرای عهد و پیمان الهی در حق و عدل و خیر و توحید و فضیلت.



قرآن مجید با اشاره به این عهد دیرین می‌فرماید:

«و هنگامی که خداوند از ذریه بنی آدم پیمان گرفت و آنان را به گواهی فراخواند که آیا من آفریدگار شما نیستم؟ آنان گفتند چرا گواهی دهیم تا روز قیامت نگوئید ما از این مطلب غافل بودیم.»

«و اذ أخذ ربك من بنی آدم من ظهورهم ذریتهم و أشهدهم علی أنفسهم
ألسنتُ برکم قالوا بلی شهدنا أن تقولوا یوم القیامة انا كنا عن هذا غافلین»^{۴۱}

سعی بین صفا و مروه، گام برداشتن در حریم و عرصه گاه رحمت الهی و طلب آمرزش و خشنودی او و درخواست تفضل و خیرات ربّانی و مددجویی از ساحت قدس او است که توان تحمل مشکلات را موهبت فرماید؛ آنگونه که هاجر همسر ابراهیم خلیل - علیه‌السلام - در این سرزمین از خدای خود یاری طلبید و آنگاه که تشنگی و بی‌آبی او و کودک خردسالش اسماعیل را تحت فشار قرار داد با تضرع به ساحت قدس ربوبی عرض نیاز و تضرع کرد تا خداوند رحمت خویش بر آنها نازل فرمود. قرآن با اشاره به این مکان مقدس گوید: «صفا و مروه از جمله شعائر الهی است، پس هر کس حج عمره بجای آورد، بر اوست که میان آندو طواف کند، و آن کس که از روی خلوص عمل خیر کند خدا سپاسگوی و داناست.»

«ان الصفا و المروة من شعائر الله فمن حج البيت أو اعمر فلا جناح علیه، أن یطوّف بهما فمن تطوّع خیراً فان الله شاكر عليم.»^{۴۲}

احمد حنبلی از پیامبر اکرم - ص - نقل می‌کند که فرمود: «سعی کنید که خدا سعی را بر شما واجب ساخته است.»

وقوف به عرفه در عرصه گاهی که از رضوان الهی لبریز و از توحید و وحدت آکنده است، زائران را منقطع از غیر خدا به ابتهال و اخلاص وامی‌دارد که سر به خاک بندگی‌اش بسایند و بدون هیچگونه حجابی پیوند روحانی برقرار کنند و به سلطنت مطلقه‌اش پناه گیرند و فضل و رحمت او را بجویند و به یقین بدانند که دعایشان به اجابت مقرون است.

رمی جمره و رجم شیطان در روز عید و ایام تشریق، سمبل مقاومت در برابر وساوس شیطانی و تحریکات نفسانی او و رهایی از انگیزه‌های شر و مبارزه با فساد و انحراف است.

اهل منطق گویند: «محسوس دلیل معقول است» این اصل در اینجا جریان دارد و رمی جمرات و استلام حجر و طواف کعبه، تبلوری است از حقایق معقول در قالب محسوسات

و رمز مفاهیم عمیق در قالب حرکت‌های ظاهری که به مؤمن می‌آموزد با چه اهداف و مقاصدی سیر و حرکت خویش را آغاز کند و به پایان برساند و در برابر فتنه‌ها و شرور و تحركات نفس اماره مقاومت نماید. مقصد اصلی از این شعائر این است، نه آنگونه که برخی مستشرقین ابله و بی‌ایمان پنداشته‌اند که حج طواف بدور سنگ‌ها، با اهداف مادی شرک آمیز است! (کعبه آن سنگ نشانی است که ره گم نشود)

بالاخره شعائر حج با قربانی و نذورات و کفارات به سر حد کمال می‌رسد که فدا کردن ذبیحه آخرین وداع با رذائل است و ریختن خون قربانی گویی نقطه پایانی است بر خصلت‌های نکوهیده و پایبندی به فضیلت فداکاری و قربانی کردن، همانگونه که خداوند فرماید: «گوشت و خون قربانی هرگز به خدا نمی‌رسد بلکه این تقوای شماست که به محضر حق می‌رسد، خداوند اینچنین آنها (حیوان قربانی) را تسخیر شما نموده تا خدا را به بزرگی بستایید که شما را هدایت فرمود. و نیکوکاران را نوید و بشارت ده.»

«لن ینال الله لحومها و لا دمائها و لکن یناله التقوی منکم کذلک سخرها لکم

لتکبروا الله علی ما هداکم و بشر المحسنین»^{۴۳}

آری تمام شعائر و مناسک حج در بردارنده منافع اخروی است. و بطور قاطع نشانگر اعتماد به خدا و طلب فضل اوست و انسان را آگاهی می‌دهد که از اعماق جان در برابر عظمت و جلال او خضوع کند و شیرینی مناجات و بندگی‌اش را بچشد و رضا و تقرب او را بجوید، بسیار گریه و زاری کند و جان را پالایش دهد و از روی خلوص به توبه نصوح و پشیمانی از گناهان گذشته رو آورد.

پی‌نوشتها:

۱۳ - عادیات: ۸

۱۴ - حج: ۲۸

۱۵ - حدید: ۲۵

۱۶ - بقره: ۱۶۴

۱۷ - مائده: ۱۱۹

۱۸ - اعلی: ۹

۱۹ - یس: ۷۳

۲۰ - انعام: ۱۶۲

- ۲۱- نهج البلاغه، خطبه اول.
- ۲۲- تفسیر مجمع البیان، جزء هفتم، ص ۸۱.
- ۲۳- علل الشرائع، صص ۴۰۶-۴۰۵.
- ۲۴- علل الشرائع، صص ۴۰۵-۴۰۴.
- ۲۵- تفسیر المیزان، ج ۱۴، صص ۴۰۶-۴۰۵.
- ۲۶- تفسیر صافی، ج ۲، ص ۱۲۱.
- ۲۷- عنکیوت: ۱۴۵.
- ۲۸- توبه: ۱۰۳.
- ۲۹- بقره: ۱۸۳.
- ۳۰- حج: ۲۸- ۲۷.
- ۳۱- حدید: ۲۹.
- ۳۲- بقره: ۱۹۸.
- ۳۳- آنچه در ذیل عنوان منافع دنیوی آمده، در حقیقت تلفیقی است از مصالح مادی و معنوی و انسان‌سازی.
- ۳۴- لازم به ذکر است آنچه در فلسفه قربانی و خیرات و برکات مادی حج آمده، از نظر شرع مقدس بزرگترین فلسفه انسانی و انساندوستی را دربر دارد. هر چند امروز مسلمانان نتوانند بدرستی از آن بهره گیرند. همین مسأله قربانی که سالانه حدود دو میلیون ذبیحه پاک و پاکیزه حجاج در سرزمین منا با طیب نفس و خلوص نیت فدا می‌شوند، اگر برنامه‌ریزی صحیح باشد می‌تواند میلیون‌ها انسان گرسنه را در اقطار مختلف جهان بهره‌مند سازد. مع‌الأسف بر اثر جمود و تحجر و هابیت و بی‌کفایتی سیاست‌گزاران حج در عربستان چنین سرمایه عظیمی عمدتاً به هدر می‌رود و در کوره‌ها سوزانده می‌شود و همین مسأله است که فقهای ما را به بازنگری در مسأله قربانی و ارائه راه حل با چنین وضعی فرا می‌خواند. «مترجم»
- ۳۵- ابراهیم: ۳۷.
- ۳۶- رعد: ۲۸.
- ۳۷- بقره: ۱۹۷.
- ۳۸- حجرات: ۱۲.
- ۳۹- حشر: ۱۰.
- ۴۰- در فقه امامیه، تنها تا ظهر عرفه تلبیه ادامه دارد و از آن پس دستوری درباره تلبیه نرسیده است.
- ۴۱- اعراف: ۱۷۲.
- ۴۲- بقره: ۱۵۸.
- ۴۳- حج: ۳۷.